



چنان مخصوص به خود و منحصر به فرد و قوی و در حدی برانگیزاننده احساسات است که هر ترجمه‌ای - هر قدر هم خوب و قوی باشد و با واقعیت هستی پیوند محکمی داشته باشد باز هم تصویر ناقص و نارسائی از شکوه و جلال درخشان نسخه اصلی خواهد بود. دلیل عمده من برای عرضه ترجمه‌ای تازه از کتابی که تاکنون بارها ترجمه شده این است که هیچ یک از ترجمه‌های پیشین تلاش جدی برای پیروی - حتی ناقص و اندک - از موضوعات و عبارات فصیح و بلیغ و آهنگینی که شکوه و تعالی قرآن است نداشته‌اند، و من در حال باز کردن راهی تازه هستم.

آرتور جان آربری که مدتی به عنوان رئیس بخش ادبیات دانشگاه قاهره خدمت کرده با ادبیات و شرایط اجتماعی خاورمیانه مسلمانان آشنا شده است در دوره حیاتش در حدود بیست کتاب در مسائل اسلامی تألیف نموده که بسیاری از آنها شاعرانه و عارفانه است و در این ترجمه مشخص نکرده است که از چه منابعی بهره جسته است و ظاهراً همچنان که خود گفته بیشتر در صدد بوده است تا بتواند خصوصیات قرآن را در زبان مقصد تقلید کند و کمتر به استفاده از منابع در تحقیق مطالب توجه داشته است یا لاقلاً چیزی ذکر ننموده است.

ترجمه قرآن کریم توسط آقای بیکنهال ترجمه‌ای است خالی از هر گونه توضیح و تفسیر با پاوریهای اندک و معرفی بسیار مختصر هر سوره در آغاز آن و یک پیشگفتار و مقدمه از مؤلف که در ابتدای کتاب آورده است.

مترجم در پیشگفتار، بعد از بیان هدف کار خویش می‌نویسد: به طور طبیعی و به عنوان یک ادعای معقول ممکن است گفته شود که هیچ کتاب مقدس آسمانی نمی‌تواند توسط کسی که به تعلیمات و پیام آن اعتقاد و باور ندارد ترجمه و به دیگران عرضه شود و این نخستین ترجمه انگلیسی قرآن کریم است که توسط یک فرد انگلیسی که خود مسلمان است صورت می‌گیرد. عقیده این مترجم این است که قرآن ترجمه‌پذیر نیست. این ترجمه تحت الفظی است و سعی شده است عبارات و زبان مناسب به کار گرفته شود، اما حاصل کار قرآن مجید نیست که آهنگی تقلیدناپذیر داشته و بتواند با تحریک احساسات اشکها را جاری سازد و انسان را به وجد آورد. این ترجمه هرگز جای قرآن عربی را نمی‌گیرد و به این منظور هم انجام نشده است.

مترجم در پیشگفتار ادامه می‌دهد: تمام تلاش صورت گرفته تا از ترجمه‌های ناموجه پرهیز شود. در موارد معدودی که از ترجمه سنتی فاصله گرفته شده است، ترجمه سنتی را در پاورقی می‌توان یافت.

مصحفی که در این ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است نسخه‌ای از قرآن نوشته شده توسط الحاج محمد شکر زاده به امر سلطان محمد در سال ۱۲۴۶ هجری قمری در ترکیه است.

مترجم در مقدمه طولانی که اول کتاب نوشته و نیز در توضیحات اول هر سوره به سیره ابن هشام استناد کرده است و از زندگی پیامبر نوشته ابن خلدون استفاده کرده است و برای این ترجمه از تفاسیر بیضاوی و زمخشری و تفسیر الجلالین بهره گرفته است و نظر منابع حدیث به بخاری متکی بوده است.

بیکنهال در مقدمه نسبتاً طولانی که بر ترجمه خود نوشته مطالب زیر را مطرح کرده است:

۱. تولد پیامبر ۲. ازدواج پیامبر ۳. اولین وحی که به پیامبر نازل شد ۴. آنچه پیامبر در کوه حرا دید ۵. اضطراب پیامبر ۶. نزول قرآن ۷. اولین گروندگان به اسلام ۸. شروع آزار و شکنجه ۹. مهاجرت به حبشه ۱۰. اسلام آوردن عمر ۱۱. شعب ابی طالب ۱۲. آمدن مرتضی از یثرب نزد پیامبر ۱۳. پیمان عقبه اول ۱۴. پیمان عقبه دوم ۱۵. توطئه قتل پیامبر ۱۶. هجرت ۱۷. دسته بندی سور مکی ۱۸. بنی‌نضیر و منافقین ۱۹. قبله و تغییر آن ۲۰. اولین لشکرکشی ۲۱. جنگ بدر ۲۲. نبرد احد ۲۳. دفع شر بنی‌النظیر ۲۴. جنگ احزاب ۲۵. استان افک (تهمت به عایشه) ۲۶. صلح حدیبیه ۲۷. جنگ خیبر ۲۸. رفتن به حج در سال هفتم ۲۹. عهد شکنی قریش ۳۱. فتح مکه ۳۲. نبرد حنین ۳۳. فتح طائف ۳۴. جنگ تبوک ۳۵. سال رحلت ۳۶. حجه الوداع ۳۷. بیماری و رحلت پیامبر

اینها خلاصه مقدمه‌ای است که پیکتهال در ابتدای کتاب آورده است و بعد از آن بحث کوتاهی در مورد جمع‌آوری قرآن اضافه کرده است.

در مقدمه‌ای که قبل از سوره مریم آورده است آن رامکی دانسته و نام آن برگرفته از آیه ۱۶ همین سوره می‌داند. در همین مقدمه جریان نخستین هجرت مسلمانان به حبشه را توضیح می‌دهد و ماجرا را از قول ابن اسحق نقل کرده مطلبی را که بین جعفر بن ابیطالب علیه السلام و پادشاه حبشه گذشته به طور مشروح آورده به خواندن سوره مریم توسط جعفر اشاره می‌کند و با استناد به آن می‌گوید؛ بنابراین، این سوره باید قبل از هجرت به حبشه نازل شده باشد و سپس احتمال می‌دهد که آیات پنجاه و نه و شصت آن مدنی باشد.

ترجمه قرآن کریم توسط آقای میراحمدعلی ترجمه‌ای است همراه با توضیحات و تفسیر، که این توضیحات در سه جای مختلف و بدون اختلاط با ترجمه آمده است: یکی، قبل از شروع هر سوره توضیحاتی درباره سوره آورده است و جای دوم، پاورقی هر صفحه است که لغات و عباراتی را که به توضیح نیازمند بوده است شرح کرده است و جای سوم، ابتدای هر بخش توضیح مختصری نسبت به همان بخش ارائه کرده است.

وی در ابتدا در یادداشتی که به جای مقدمه نوشته شده است و خواندن آن را برای قاریان قرآن ضروری شمرده مطالبی را در باب فهم قرآن که ترجمان اعتقاد مذهبی وی نیز هست یادآوری می‌کند. در آغاز این مقدمه می‌گوید: هر محقق صادقی که به دنبال حقایق قرآنی است قبل از فرو رفتن در این کار باید بیان و هشدار پیامبر اکرم صلی اله علیه و اله را به یاد آورده آن را در نظر داشته باشد.

سپس ترجمه حدیث ثقلین را به نقل از تفاسیر کبیر و الدر المنثور آورده و می‌گوید: بنابراین، بعد از پیامبر معنی یا تفاسیر صحیح قرآن فقط باید از اهل بیت گرفته شود نه دیگری، و بعد از آن برای توضیح بیشتر مطلب به ماهیت آیات قرآن اشاره می‌کند و به آیه ششم سوره آل عمران درباره محکومات و متشابهات و فتنه و راسخون در علم و اولوالالباب استناد می‌کند و بعد از استدلال به اینکه راسخون در علم اهل بیت هستند و علم کتاب با وجود ایشان در آمیخته است با بیانی از سر اعتقاد و لطافت، دیگران را از ادعای فهم کتاب در برابر اهل بیت برحذر می‌دارد و به ترجمه بی‌بی از حافظ استناد می‌کند که:

با خرابات نشینان ز کرامات ملاف  
هر سخن جائی و هر نکته مکانی دارد

زیرا که بشر به خودی خود و به تنهایی از شناخت خود و طبیعت خویش عاجز است و باید پیامبران و اولیائی در هر زمان او را به مصالحش راهبری کند و الا به قول مولوی: طعمه هر مرغی انجیر نیست.

میراحمدعلی در ادامه اضافه می‌کند که: پیامبر مردم را قبل از مرگ سرگردان رها نکرد و پیامهای قرآن را با تفسیر گذاشت و با فرمان «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالته (مائده ۶۷)» علی بن ابی طالب را به جای خود منصوب کرد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، (مشکاه، خصائص نسائی، روضة الاحباب، روضة الابرار، مسند امام احمد حنبل، سیوطی و غیره) و علاوه بر اینها در موارد متعدد دیگری مردم را به علی بن ابی طالب ارجاع داد که از جمله آنها اعلام «انا مدینه العلم و علی بابها» است.

وی در پایان با بیان اینکه تنها تسلط بر صرف و نحو و ادبیات عرب برای رسیدن به تفسیر تمام متن قرآن کافی نیست و رفع ابهامات و توضیح متشابهات قدرت دیگری را طلب می‌کند، با استناد به آیات هفتاد و هفت تا هفتاد و نه سوره و آیه الایمسه الا المطهرون، طهارت باطنی را شرط اصلی برای رسیدن به محتوای قرآن اعلام کرده باز با مراجعه به خود قرآن و آیه ای که می‌آید الله لیدهب عنکم الرجس اهل البیت»، هماهنگی این آیات با محتوای حدیث ثقلین و همراهی قرآن و اهل بیت را یادآوری می‌کند.



دلیل دیگری برای ادعای خود اقامه کرده باشد.

در تفسیر میر احمد علی سوره مریم به شش بخش تقسیم شده است و در ابتدای هر بخش توضیحات مربوط به آن آمده است:

بخش اول: داستان زکریای پیامبر و یحیی: مناجات و درخواست زکریا از خداوند و عطا کردن خداوند فرزندی به او در حالی که او پیر و همسرش نازا بود و به پیامبری رسیدن یحیی در کودکی.

بخش دوم: مکالمه فرشته با مریم درباره تولد عیسی و تولد معجزه آسای عیسی به عنوان آیتی از پروردگار و اعلام پیامبری حضرت عیسی توسط خودش در گهواره.

بخش سوم: دعوت ابراهیم به یگانگی خدا و ترغیب مردم به رها کردن بت پرستی.

بخش چهارم: اشاره به دیگر پیامبران الهی چون موسی و هارون و اسماعیل و ادريس به عنوان رسولانی صادق و درستکار.

بخش پنجم: حتمی بودن قیامت و حاضر شدن در روز داوری، آسانی زنده کردن مردگان برای خدائی که آنان را از هیچ

آفریده است و پاداش نیکوکاری.

بخش ششم: شفاعت و ممکن نبودن آن جز برای آنان که از خداوند عهدی گرفته اند و سنگین بودن نسبتهای ناروا، نظیر

فرزند داشتن، به خدا.

همچنین در مقدمه ای که در آغاز سوره و در پاورقی آورده است توضیحی در مورد سوره ارائه کرده نکات برجسته ای از

سوره را ذکر کرده است که برای آشنائی با مجموعه مطالب سوره بسیار مفید است.

در ادامه توضیحات پاورقی، از اول تا آخر سوره راجع به مطالب سوره به طور عموم یا بعضی از آیات مطالبی را ذکر کرده

که به نوبه خود در تبیین غوامض آیات مفید است و به روانتر شدن معنی آیات نیز کمک می کند.

در ابتدای این توضیحات به مناسبت کهیصص به بحثی درباره حروف مقطعه قرآن پرداخته و بعضی احتمالات را مطرح

کرده است.

آن طور که از اطلاعات ارائه شده در اول قرآن بر می آید این یادداشتها باید متعلق به شخصی به نام آیت الله آقا حاجی میرزا

مهدی پویا یزدی باشد.

ترجمه انگلیسی قرآن کریم توسط آقای عبدالله یوسف علی ترجمه ای است همراه با شش هزار و سیصد و ده پاورقی

نسبتاً طولانی و یک پیشگفتار و دو مقدمه در ابتدای کتاب.

ترجمه در ابتدای هر سوره نیز مقدمه ای مخصوص همان سوره آورده شده است و در پایان بعضی مقدمه ها یا بعد از

هر چند در بعضی سوره، به طور جداگانه از ترجمه و با علامت مشخص (ح) چند جمله ای نتیجه گیری کرده است که مجموع

این عبارات در تمام کتاب به سیصد می رسد.

پیشگفتار مطالبی عمومی راجع به قرآن و ترجمه متون آورده و مقدمه اول را به تفاسیر قرآن و مقدمه دوم را به

ترجمه های قرآن اختصاص داده است.

پیشگفتار این ترجمه آمده است: ممکن است سؤال شود که آیا به ترجمه تازه ای از قرآن احتیاج است؟

پاسخ به این سؤال را می پرسند پیشنهاد می کنم که آنچه را در یادداشتها بر ترجمه قرآن گردآوری کرده ام به دقت

بررسی کنید، از ایشان دعوت می کنم هر آیه به خصوص مثل آیات هفتاد و چهار یا صد و دو یا صد و شصت و چهار سوره

بقره با هر یک از ترجمه های پیشین که مایلند مقایسه نمایند، اگر دریافتند که من حتی به مقدار اندکی در فهم معنی یا شناخت

زیبایی و لطافت کلام یا شکوه و عظمت متن اصلی کمکشان کرده‌ام در آن صورت ادعا می‌کنم که این تلاش ناچیز موجه است. وی در بخشی از این پیشگفتار می‌نویسد: آنچه من می‌خواهم به شما عرضه کنم ترجمه‌ای انگلیسی از قرآن در کنار متن عربی آن است. ترجمه انگلیسی نمی‌تواند جایگزین صرف و دقیق کلمه به کلمه قرآن شود بلکه بهترین عبارتی که بتوانم کاملترین معنی را - آنگونه که از متن عربی آن فهمیده‌ام - عرضه می‌نمایم. آهنگ، موسیقی و طنین والا و متعالی متن اصلی باید در ترجمه انگلیسی منعکس شود.

او می‌افزاید: من در ترجمه انگلیسی متن هیچ چیز طبق نظر شخصی خودم نیافزوده‌ام و فقط از آنچه مفسران به آن رسیده‌اند تبعیت کرده‌ام و هر جا که آنها اختلاف داشته‌اند من از میان مجموع نظرات آنچه را به نظر خودم عقلانی بوده است برگزیده‌ام هر جا برای بیان بهتر روح متن به زبان انگلیسی از ترجمه تحت اللفظی فاصله گرفته‌ام معنی تحت اللفظی را در یادداشتها ذکر کرده‌ام.

مترجم در مقدمه‌ای که راجع به ترجمه‌های قرآن نوشته شده است می‌گوید: تقریباً تمام زبانهای که مسلمانها با آن تکلم می‌کنند ترجمه‌ای از قرآن دارند و معمولاً متن قرآن همراه ترجمه به چاپ رسیده است. اگر زبان پیشرفته نباشد بسیاری از لغات عربی قرآن به منظور مطابقت دادن آن لغات در زبان ترجمه به کار گرفته می‌شوند. حتی در زبانهای پیشرفته و سابقه داری چون فارسی و ترکی معرفی اصطلاحات دینی باعث شد گروهی از لغات که برای تمام جهان اسلام عادی هستند به کار گرفته شده و در نتیجه وحدت و اخوت اسلامی که مشخصه اهل قبله است منسجمتر شود.

وقتی اندیشه‌ای برای تکلم کنندگان به زبانی مهذب و پیراسته از واژه‌های بیگانه و نو باشد، اهل آن زبان متمایل و راضی هستند که لغت عرب را برای بیان آن فکر و ام‌گیرند و لوازم آن را بپذیرند. از جمله همین لغت قبله است.

اگر زبانی پیشرفته نباشد، ترجمه چیزی جز توضیح زمخت متن عربی نخواهد بود و یوسف علی بعضی ترجمه‌های غیرانگلیسی را از این نمونه معرفی کرده آنگاه می‌افزاید: مجموعه ترجمه‌های بد نویسندگان غیر مسلمان و ضد مسلمان باعث شد که نویسندگان مسلمان جرأت و جسارت ترجمه انگلیسی قرآن را پیدا کنند و اولین مسلمانی که ترجمه انگلیسی را عهده دار شد دکتر محمد عبدالحکیم خان (۱۹۰۵ میلادی) بود. میرزا حیرت نیز در دهلی (۱۹۱۹) ترجمه‌ای را منتشر کرد.

یوسف علی در ترجمه خود از فرهنگ لغتها و دائرة المعارف‌ها استفاده کرده است و علاوه بر آنها از مفردات راغب اصفهانی، الاتقان فی علوم القرآن سیوطی، تحقیقات نولدکه، سیره ابن هشام، سیره النبی مولوی شبلی نعمان، فتح الرحمن فیض الله بیک حسن، بهره‌گیری کرده است.

یوسف علی در عین حالی که به کتابهای تاریخ و تفسیر مراجعه می‌کند اما به دلیل تعلق آنها به مکاتب فکری مختلف، آنها را به عنوان منابع کار خویش نمی‌شناسد و مدعی است که مفاهیم عمومی پذیرفته شده توسط مفسران مورد قبول اوست. منابعی که بیشتر مورد مراجعه یوسف علی هستند از این قرارند:

۱. تاریخ محمد بن جریر طبری و او چون نویسنده آن را هم مورخ و هم محدث می‌داند در بین منابع حاوی اطلاعات تاریخی ترجیح می‌دهد.

۲. الکشاف ابوالقاسم محمد بن عمر الزمخشری را از نظر غنی بودن در توضیح لغات و اصطلاحات و محتوی بودن نظریه‌های عقلانی قاطع و دیدگاههای اخلاقی برمی‌گزیند.

۳. التفسیر الکبیر فخر رازی را از نظر تفصیل و قوی بودن ترجمه از دیدگاه یک عارف و نقطه نظرهای معنوی انتخاب می‌کند.

۴. انوار التنزیل بیضاوی به عنوانی تفسیری محبوب و عامه پسند که مطالب اساسی زیادی مطرح می‌کند مورد مراجعه یوسف علی



می باشد.

۵. تفسیر ابوالفدا اسماعیل ابن کثیر، از نظر او تفسیر پر حجم اما منبعی قوی نزد علماست.

۶. الاتقان سیوطی به واسطه تفصیل در علوم قرآنی.

۷. تفسیر الجلالین جلال الدین السیوطی و جلال الدین المحلي.

۸. تفسیر المنار محمد رشد رضا که کار استادش شیخ محمد عبده را تمام کرده است.

۹. جواهر القرآن طنطاوی

یوسف علی معتقد است که همچنانکه گفته شده است قرآن خود بهترین مفسر قرآن است و یک مقایسه دقیق و تطبیق قسمتهای مختلف قرآن می تواند بسیاری از مشکلات را رفع کند و اگر از کشف اللغات و فهرستهای مناسبی بهره گرفته شود یک آیه و عبارت آیه یا آیات دیگر را روشن می کند.

در مقدمه سوره مریم، مترجم موضوعات مطرح شده در سوره را بر می شمارد و یادآوری می کند که این سوره قبل از هجرت به حبشه یعنی تقریباً هفت سال قبل از هجرت به مدینه نازل شده است و مجدداً خلاصه ای از موضوعات سوره را ردیف می کند.

در پاورقیهای این سوره علم به معنی حقیقی حروف مقطعه را منحصر به خداوند دانسته و از اصرار و اعتقادات جزمی بر حدسیات برحذر می دارد، ضمن آنکه نظرات بعضی مفسرین را هم نقل می کند.

كلمة أرى بي كثير اللفظ على				تلفظاره	٣٥ و ٤٨
Allah	God	Allah	God	الله	٤٩ و ٥٨ و ٣٦
					٨١
gods	gods	(other) gods	other gods	الِهَة	٨١
(this is) a recital	(this is) a mention	A mention	the mention	ذکر	٢
(relate)	mention, (make)	make mention	mention	أذكر	١٦ و ٤١ و ٥٤
mention	mention				٥٦ و ٥١
not call to	bearth not	remember	remember	لا يذكر	٦٧
mind	...in mind				
mercy	mercy	mercy	mercy	رحمت، رحمة	٢ و ٢١
				رحمتنا	٥٠ و ٥٣
Most Gracious	the Beneficent	the Beneficent	the Merciful,	رحمن	٢٦ و ١٨
(Allah) Most	the Beneficent		the All-merciful		٤٤ و ٤٥
Gracious	(God)				٥٨ و ٦١
					٧٥ و ٦٩
					٨٥ و ٧٨
					٨٨ و ٨٧
					٩٢ و ٩١
					٩٦ و ٩٣
Lord	Lord	Lord	Lord	رب، ربك، ربى	٢ و ٣ و ٤
				ربكم، ربه	٩ و ٨ و ٦
					١٩ و ١٠ و ٣٦
					٢١ و ٤٨ و ٤٧
					٤٤ و ٥٥ و ٤٨
					٤٥ و ٧٦ و ٧١
Servant	Servant	Servant,	Servant	عبد - عباد	٣٠ و ٢ و ٦١
		Slave			٩٣

٤٧

كلمة أرى بي كثير اللفظ على				تلفظاره	٣٦ و ٤٥
Serve-Worship	Worship	Serve-Worship	Serve	اعبده - فاعبده	٤٤
Serve	Worship	Serve	Serve	لا تعبد	٤٢
Worship	Worship	Worship	Worship	لم تعبد	٤٩
Worship	Worship	Worship	Serve	يعبدون	٤٥ و ٨٢
Worship	Worship	Service,	Service	عبادة	
		worship			
cry to, call	call unto	cry unto, call	call upon	نادى، نادينه	٢ و ٥٢
	voice	cry		نداء	٢
praying, Said	Said	Said	Called, said	قال	٨ و ٤

بروقوليه تاروطفا يقا لكتونيم

					٩و١٠ ١٩و٢٠ ٢١و٣٠ ٤٢و٤٧ ٢٧و٢٩ ٣٥ ٤٦و٨٠ ٣٤ ٧٥ ٤ ٤ ٤٨و٤ ٥و٤٥
said	said	said	said	قالوا	
say, talk	sayeth, spake	saith, spake	say	يقول	
a statement of	a statement of	a statement of	word of the	قول الحق	
truth say	the truth	the truth	truth	قُلْ	
infirm... are	my bones are	the bones of	the bones within	وَهِنَّ الْعِظْمُ	
my bones	weakened	me wax feeble	me are feeble		
my head doth	my head doth	my head is	my head is	اشتعل الرأس	
glisten with	glisten with	shining with	all aflame with		
grey	grey hoariness	grey hair	hoariness		
prayer	prayer	prayer	Calling	دعاء	
heir, friend	heir, friend	successor, comrade	kinsman, friend	ولِي	

<b>كلمة آري ري بي كتهوا الي خدا علي</b>				<b>تأبطاره</b>	
repent	repented	repent	repents	تاب	٤٠و٤٣
believe	believed, believe	believe	believes	امَنَ	٩٤و٤٠
work right- eousness, work deed of righteousness	did good, work good deeds	do right, do good works	does a right- eous deed, do deeds of righteousness	عَمِلَ صالحاً	٤٠و٩٤
the Garden	the garden (of paradise)	the Garden	paradise	جَنَّة	٤٠و٤٣
Gardens	the gardens	Gardens	Gardens	جَنَّات	٤١
satan	satan	the devil	satan	شيطان	٤٤و٤٥
the Evil ones	satans	the devils	satans	شياطين	٣
Hell	the Hell	hell	Gehenna	جَهَنَّمَ	٤٨
made him draw near to us for mystic (converse)	made him draw nigh (unto Us) for a communion	brought him nigh in communion	brought him near in communion	قَرَّبْتَهُ نجياً	٢
we raised him to a lofty station	we exalted him to a high station	we raised him to high station	we raised him up to a high place	رَفَعْنَاهُ مكاناً علياً	٥٧

٤٨

روزه دانستگاه



prayer	prayer,	prayer,	pray,	صلوة	١٥ و ١٥
		prayers			٥٩
unblest,	unblest	unblest	unprosperous	شقيتاً	٣٢ و ٤٠
miserable					٤٨
to life	alive...to	alive	alivel	حيّاً	٣٣ و ١٥
	life				
peace on him	peace be on	peace on him	peace be	وسلام عليه	١٥
	him		upon him		

كلمة آري بر يكتيول الحفد على				تليطاره	٣٥
peace is on me	peace be on me	peace on m	peace be	والسلام على	
			upon me		
peace be on	peace be on	peace be unto	peace be upon	سلام عليك	٤٧
thee	thee	thee	thee		
son, children	son, children	son, children	son, children	وولد	٣٥ و ٧٧
					٩١ و ٨٨
					٩٢
A way that is	the right way	the right path	a straight path	صراط مستقيم	٣٦
straight					
a way that is	the path (which	a right path	a level path	صراطاً سوياً	٤٢
even and straight	is) straight				
can profit	nor doth it	nor can in	nor avails	لايغني عنك شيئاً	٤٢
thee nothing	avail thee in	ought avail thee	thee anything		
	ought				
devout, fear	pious, God	devout, God	godfearing,	تقياً	١٨ و ١٣
Allah, guard	fearing	fearing	fearest God		٤٣
against evil					
guarded against	guarded against	kept from evil	godfearing	اتقوا	٧٢
evil	evil				
righteous	pious	righteous	godfearing	متقين	٨٥ و ٩٧
that is easy	easy is it to	it is easy	easy is that	هو على هين	٢١ و ٩٠
for me	me, it is easy	for me	for me		
	for me				
give	grant	give	give	هَبْ	٥
gift of...	give	bestow	give	لأهب	١٩
bestowed gave	granted	gave, best owed	gave	وهبنا	٥٠ و ٤٩
					٥٣

٤٩

بر وقوليه بهار طرفة كفاية

كلمة آري بر يكتيول الحفد على				تليطاره
------------------------------	--	--	--	---------

mother	Mother	mother	mother	أُمّ	٢٨
unchaste	unchaste	unchaste, harlot	unchaste, a woman unchaste	بَغِيًّا	٢٠ و ٢٨
youth, a child	child	child, a young boy	little child	صَبِيًّا	٢٩ و ١٢
prophet	prophet, Apostle	prophet	prophet	نَبِيًّا	٣٠ و ٤١ ٤٩ و ٥١ ٥٣ و ٥٦
give good news, give glad tidings	give the glad tidings	bring tidings bear good tidings	give good tidings, bear good tidings	نَبِيِّينَ نَبَشْرَكَ لَتُبَشِّرَ	٥٨ ٧ و ٩٧
son	son	son	boy, son	غَلام	٧ و ٨ ١٩ و ٢٠
give ——	vouchsafe gave not	make, appoint given, ...none	make, appoint no... given	وَأَجْعَلُهُ، إِجْعَلْ لَمْ نَجْعَلْ	٦ و ١٠ ٧
provided	caused	placed	set	جَعَلَ	٢٤
made, granted	made, assigned	appointed, made, assigned	made, appointed	جَعَلْنِي جَعَلْنَا	٣١ و ٣٢ ٥٠
well-pleased	well-pleased,	acceptable	well-pleasing	رَضِيًّا	٦ و ٥٥
acceptable	well-pleasing		pleasing	مَرْضِيًّا	
barren	barren	barren	barren	عَاقِر	٥ و ٨
sign	sign, sign (miracle)	token, revelation	sign	آيَةٍ	١٠ و ٢١ ٧٣
told by signs	made signs	signified	made a signal	أَوْحَى	١١
celebrate	glorify	glorify	give... glory	سَبَّحُوا	١١
Allah's praises					

<b>كلمة اربير بيك قهرمان احمد علي</b>				<b>تسطاره</b>	
purity, charity	charity	almsgiving	give the alms	زكوة	٣١ و ١٣
Glory be to him	glory be to him	Glory be to him	Glory be to him	سُبْحَانَهُ	٥٥ ٥٥
a man of evil	a bad man	a wicked man	a wicked man	أَمْرٌ سَوْءٌ	٨
a fast	a fast	a fast	a fast	صَوْمًا	٢٦
take hold of the book with might	hold thou the book fast	hold fast the scripture	take the book forcefully	خُذْ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ	١٢
how plainly	how clearly	see and hear	how well they	أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ	٢٨

	will they see and hear	shall they hear and how clearly shall they see	them	will hear and see		
	the day of judgment	the Day of judgment	the Day of Resurrection	the Day of Resurrection	يوم القيامة	
	Most Merciful	the Merciful	the Merciful	the Compassionate ate	الرحيم	

٩٥

٥١

بر وقوليه تار طفا قيا لآ نيم

اینک بعد از مقایسه و تطبیق چهار ترجمه انگلیسی قرآن طی جدول مربوط به آیات سوره مریم چند نکته را به طور اجمال یادآور می‌شوم:

۱. در معنی کلمه الله و برگردان آن به **حراً** حقیقتاً بزرگترین نارسائی موجود در ترجمه قرآن به انگلیسی آشکار می‌شود؛ زیرا **حراً** هرگز نمی‌تواند منعکس کننده معنی الله به عنوان ذات مستجمع جمیع کمالات و دارای صفات جمال و جلال به نحو داخل فی الاشیاء لا بالممازجه و خارج من الاشیاء لا بالمباینه و ذات احد صمد سرمد لم یلد ولم یولد و لم یکن له کفواً احد باشد.

بیگتهال در پاورقی سوره حمد می‌گوید: «من در سراسر ترجمه قرآن کلمه الله را نگه داشته‌ام: زیرا هیچ کلمه‌ای در انگلیسی با آن برابری و مطابقت نمی‌کند. کلمه الله نه مؤنث دارد نه جمع و هرگز جز برای ذات متعال غیر قابل تصور با اوهام برای دیگری به کار نرفته است. من کلمه **حراً** را فقط وقتی به کار می‌بردم که با کلمه اله عربی مطابقت کند».

۲. معانی که برای ذکر و صیغه‌های مختلف این کلمه آورده‌اند هیچکدام از معنای ذکر زبانی یا حداکثر یادآوری ذهنی تجاوز نمی‌کند به خصوص که بعضی به کلمات ذهن و مغز تصریح کرده‌اند و این معنی بسیار نارساتر از آن است که با معنی ذکر برابری کند و مقصود آیاتی که این کلمات را استفاده کرده‌اند هرگز به این حد محدود نیست.

۳. اختلاف در ترجمه یک لغت، حتی در یک ترجمه، بسیار به چشم می‌خورد و هر چند در بعضی موارد چون معنی و مقصود ممکن است متفاوت باشد این اختلاف لازم به نظر می‌رسد، ولی حتی مواردی - همچنانکه در جدول هم نشان داده شده است - وجود دارد که معنی کلمه در دو یا چند آیه یکی است، ولی مترجم کلمات متفاوتی در ترجمه به کار برده است که آن کلمات علی‌رغم ترادفی که دارند معنای دقیقاً یکسان و واحدی را القاء نمی‌نمایند و این از ضعفهای اساسی و بارز این ترجمه‌هاست.

۴. در ترجمه کلماتی چون رحمت و رب و توبه و ایمان و سلام و... اختلافی در ترجمه یک مترجم یا در ترجمه‌های مختلف وجود دارند و این یک نقطه قوت است، اما شرطی که برای این قوت وجود دارد این است که بعضی از این کلمات چون **شرح رحد** و **حزین** که ترجمه رحمت و رب هستند و برای خدا و انسان هر دو به کار می‌روند در هر مورد بار معنایی مخصوص خود را القاء نمایند که اشتراک لفظی جای خود را به استنباط معنی کاملاً واحد بدهد.

۵. بزرگی کوچک بودن حرف اول کلمات در انگلیسی از جهت نکره یا معرفه بودن یا اسم جنس یا علم بودن و از نظر داشتن بعضی خصوصیات یا فقدان آنها کاملاً متفاوت است. در حالی که در این ترجمه‌ها نسبت به یک کلمه واحد این اصل رعایت نشده است. مثلاً کلمات ام، جنه، شیطان، جهنم، صلوة، سبحانه، یوم القیامه و... به این سرنوشت دچار هستند.

۶. دعاء نیز از کلماتی است که به علت بار معنایی خاص از ترجمه صحیح و رسا به دور مانده است.

۷. عبد و صیغه‌های مختلف این کلمه به خصوص آنجا که معنی عبودیت از آن فهمیده می‌شود دچار ترجمه‌هایی شده که وافی به

مقصود نیستند تا جائی که گاه مثلاً کلمه عبد آنگاه که به پیامبری از پیامبران الهی اطلاق شده به جای اینکه با کلمه‌ای تطبیق شود که گریز و انقطاع آن بنده از غیر خدا و تسلیم او در برابر خدا را نشان دهد به کلمه‌ای ترجمه شده که بیشتر در مورد برده به مفهوم رایج آن به کار می‌رود.

۸. بعضی عبارات نظیر: «اسمع بهم و ابصر»، حتی وقتی شکل و شمایل صرفی آنها تشخیص داده شده به همان صیغه تعجب معنی می‌شوند از رساندن معنی آگاهی مخصوصی که مراد آیه است عاجزند تا چه رسد به اینکه بعضی آنها را صیغه امر گرفته ضمیر «هم» را مفعول اسمع و ابصر گرفته‌اند و معنای ناموزونی تحویل داده‌اند.

۹. بعضی عبارات قرآن را به همان تعداد کلمات اساساً نمی‌توان ترجمه کرد و ترجمه لفظی یا ممکن نیست یا وافی به مقصود نیست. عبارت «لا یغنی عنک شیئا» یا «لا یغنی عنها من الله شیئا» از آن دسته عباراتی است که ترجمه درست آن نیازمند بحث مبسوطی درباره سلسله علل و اسباب و منتهی شدن اسباب به مسبب اصلی و غنای ذاتی او و فقر غیر او و... می‌باشد و این ترجمه‌ها هیچکدام عسری از اعشار این معنی را رسانده‌اند، چنانکه در قرآن نجیاً چنین است که علاوه بر ضعف در رساندن معنی قرآن، نجیاً آنقدر از ترجمه رسا دور مانده که گویی اصلاً نادیده گرفته شده است.

۱۰. تعبیر اشتعل الرأس که در فارسی شاید بتوان به تنق کشیدن سر معنی کرد از چنان ایجاز و لطافتی برخوردار است که با اینکه از پنج تا هفت کلمه در ترجمه آن کمک گرفته‌اند و نزدیک به یک عبارت طولانی پرداخته‌اند و از کلمات موی سفید و خاکستری کمک گرفته‌اند همچنان از مطابقتی مناسب در زبان مقصد فراتر و به دور مانده است هر چند ممکن است تا حدودی معنای آن را رسانده باشند.

خلاصه آنکه، ضمن اینکه همه مترجمان زحمت زیادی متحمل شده‌اند و به خصوص آقای یوسف علی کار حجیم و پر دامنه‌ای ارائه کرده است و اطلاعات خوبی در اختیار خوانندگان قرار داده است و نیز آقای میراحمد علی علاوه بر زحمت زیاد و به خرج دادن سلیقه و ذوق، با صدق و اخلاص خدمت کرده است و دیگران نیز مشقات بسیاری را تحمل کرده‌اند، اما برای کسی که می‌خواهد از ترجمه انگلیسی قرآن استفاده کند هیچیک از این ترجمه‌ها به تنهایی کافی نیست و شاید مجموع این چهار ترجمه کمترین تعداد ترجمه‌هایی باشند که بتوانند تشنگان قرآن را به قطره‌ای از بحر بی‌کران آن راهنما شوند.

۵۳

## منابع عربی

۱. قرآن کریم

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبائی، علامه سید محمد حسین، انتشارات اسماعیلیان

## منابع انگلیسی

در شش‌شنبه رجز و نوح خخر خذح بس چیدن خیش لاج لاج  
ژر ر خس جح خد خس خد خد خد خد خد خد خد خد خد خد خد  
ار چر خح خسر یس خ خخر خذح س پتخظجد و خلاص

۱  
۲  
۳

gl

موتلوخس چخ خذح سپوچچیللین ژسین خژ شینتج او خرجلکت  
ژ لغتاس خژ رخح چژ چججججخ رخخ و خق و رر و یلکتو لکتو / ۵  
ارچر هوووحس چخ خذح و حچر یلکتو رچسپ رر چخرا

